یادداشت روز

درباره یک ملاقات پنهان در یک مکان مخفی!

۱ـ دیروز، روزنامه آمریکایی «نیویورک‌تایمز» مدعی شد که «ایلان ماسک» میلیاردر معروف آمریکایی و از حامیان و مشاوران نزدیک ترامپ، مخفیانه با آقای امیرسعید ایروانی، نماینده جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل ملاقات کرده است. نیویورک‌تایمز می‌نویسد این ملاقات که به طور پنهان و در یک مکان مخفی صورت پذیرفته است، بیش از یک ساعت به طول انجامیده و نماینده ترامپ با نماینده ایران در سازمان ملل درباره راه‌های کاهش تنش میان ایران و آمریکا گفت‌وگو کرده‌اند!

۲ـ آقای ایروانی، در پاسخ به پرسش یکی از خبرگزاری‌ها که از وی درباره این ملاقات سؤال کرده بود، بی‌آنکه انجام این ملاقات را تکذیب کند، گفته است: «در این‌باره نظری نداریم»! ایلان ماسک، نماینده ترامپ هم درپاسخ به سؤال مشابه نیویورک‌تایمز گفته است: «ما در مورد گزارش‌های جلسات خصوصی که برگزار شده یا نشده‌اند، اظهارنظر نمی‌کنیم»!

گزارش اصلی (تیتر یک) کیهان امروز با عنوان «ملاقات پنهان با نماینده ترامپ، ساده‌لوحی یا خیانت»؟! به این موضوع اختصاص دارد ولی در وجیزه پیش‌روی، سخن درباره تناقض آشکاری است که میان این دیدار پنهان با اظهارات و نظرات بارها اعلام‌شده رئیس‌جمهور محترم وجود دارد.

همین‌جا، اشاره به این واقعیت نیز ضروری است که امام‌راحلمان -رضوان‌الله‌تعالی‌علیه- به‌حق و دربیانی حکیمانه، آمریکا را «شیطان بزرگ» می‌نامید و رهبر معظم انقلاب، این نام را گویاترین واژه برای معرفی هویت آمریکا دانسته و می‌فرمودند، تفاوت دو حزب شناخته‌شده آمریکا در ماهیت ضداسلامی و ضدایرانی آنها نیست، تفاوت فقط آن است که یکی دست‌های چدنی خود را با دستکش مخملین پوشانده است.

۳ـ و اما، دونالد ترامپ نیز مانند جو بایدن و سایر رؤسای‌جمهور آمریکا- دموکرات‌ها و جمهوری‌خواه‌ها- دشمن سرسخت و کینه‌توز جمهوری اسلامی ایران است و این دشمنی سرسخت را نه‌فقط پنهان نمی‌کند، بلکه از آن با عنوان یکی از راهبردهای اصلی دولت خود یاد می‌کند. اظهارات ترامپ را در تبلیغات انتخاباتی وی از نظر بگذرانید! و یا، چرا راه دور برویم؟ فقط نیم‌نگاهی به هویت و سوابق چند عضوی که تاکنون برای کابینه خود انتخاب و معرفی کرده است بیندازید! چه می‌بینید؟! در تمامی آنها دو ویژگی به وضوح دیده می‌شود، دشمنی سرسخت و بارها انجام‌گرفته و یا اعلام‌شده با جمهوری اسلامی ایران و حمایت همراه با وابستگی مطلق به رژیم صهیونیستی و دفاع از جنایات وحشیانه آن.

۴ـ اکنون این پرسش از برادر عزیزمان جناب آقای پزشکیان، در میان است که آیا ملاقات نماینده ایران در سازمان ملل متحد با نماینده ترامپ، به صورت «پنهان»! و در یک مکان «مخفی»! و خودداری طرفین از اعلام‌نظر درباره انجام این ملاقات، با اطلاع رئیس‌جمهور محترم کشورمان صورت پذیرفته و یا بدون اطلاع ایشان بوده است؟! اگر با اطلاع ایشان بوده است، اولاً؛ تناقض میان این ملاقات ذلت‌بار و برخاسته از دیپلماسی التماسی با اظهارات و شعارهای جناب پزشکیان چگونه قابل تعریف است؟! و اگر ملاقات یادشده، بدون اطلاع رئیس‌جمهور محترم و در بی‌خبری جناب ایشان صورت پذیرفته، نماینده کشورمان در سازمان ملل با کدام مجوز قانونی دست به این اقدام زده و حیثیت ایران اسلامی و قدرتمند را نزد بیگانگان و اصلی‌ترین دشمن ایران و ایرانیان مخدوش و لکه‌دار کرده است؟! اساساً چرا اصرار داشته‌اند که این ملاقات پنهان و در مکانی مخفی انجام شود؟! و چرا هر دو سوی ماجرا از پاسخ درباره انجام یا عدم انجام آن طفره رفته‌اند؟! این ملاقات با مواضع بارها اعلام‌شده آقای عراقچی، وزیر محترم امور خارجه کشورمان نیز در تناقض آشکار است.

۵ـ از آنجا که این ملاقات با مواضع بارها اعلام‌شده رئیس‌جمهور همخوانی ندارد، بعید به نظر می‌رسد که با اطلاع ایشان صورت پذیرفته باشد. اگرچه در این میان، نمی‌توان و نباید نقش برخی مشاوران بداندیش و کج‌اندیش به رئیس‌جمهور را نادیده گرفت!

این نکته نیز گفتنی است که حتی اگر ملاقات نماینده ایران در سازمان ملل متحد با اجازه و اطلاع ریاست محترم جمهوری نیز صورت گرفته باشد، اقدامی غیرقانونی است، چرا که اقدامات و اموری از این دست در فهرست سیاست‌های کلان نظام تعریف شده‌اند و دولت نمی‌تواند به تنهائی درباره اقداماتی از این دست، تصمیم بگیرد.

۶ـ و بالاخره، انتظار آن است که رئیس‌جمهور محترم با فراخوان نماینده ایران در سازمان ملل متحد، مخالفت شدید دولت جمهوری اسلامی ایران را با این ملاقات اعلام نموده و گفت‌وگوهای انجام‌گرفته و قول و قرارهای احتمالی(!) در این نشست «مخفیانه و پنهان»! را رسماً بی‌اعتبار و کان‌لم‌یکن اعلام کند.

حسین شریعتمداری

محکومیت حضور صهیونیست‌ها در کاپ ۲۹ توسط سازمان‌های حقوق بشری

سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه حقوق بشر با انتشار بیانیه مشترک، ضمن محکومیت حضور رژیم اسرائیل در کنفرانس تغییرات اقلیمی کاپ ۲۹ در باکو، خواهان فشار جهانی بر این رژیم برای رعایت عدالت اقلیمی در فلسطین و توقف نقض حقوق بشردوستانه و تخریب محیط زیست شدند.

ده‌ها سازمان مردم نهاد و سمن ایرانی فعال در حوزه حقوق بشر با توجه به حضور رژیم اسرائیل در کنفرانس تغییرات اقلیمی کاپ ۲۹ در باکو، با انتشار بیانیه مشترک خواهان فشار بر رژیم صهیونیستی برای رعایت عدالت اقلیمی در فلسطین و توقف نقض حقوق بشر شدند. در این بیانیه آمده است:

«ما به‌عنوان سازمان‌های مردم‌نهاد حقوق بشری، نگرانی عمیق خود را نسبت به حضور رژیم اسرائیل در اجلاس COP۲۹، که با هدف پرداختن به بحران اقلیمی و تحقق عدالت زیست‌محیطی برگزار می‌شود، ابراز می‌داریم. بر این باوریم که رفتارهای این رژیم، به‌ویژه در زمینه نقض حقوق بشر، به هیچ‌وجه هم‌راستا با ارزش‌ها و تعهدات این اجلاس، به‌خصوص در حوزه حقوق بشر و عدالت اقلیمی، نیست و در تناقض آشکار با اصول بنیادین عدالت زیست‌محیطی قرار دارد.

نقض مکرر حقوق بشر و قواعد بشردوستانه بین‌المللی توسط این رژیم در اراضی اشغالی فلسطین و لبنان، علاوه‌بر پیامدهای انسانی فاجعه‌بار، اثرات مخربی بر اکوسیستم‌های منطقه‌ای و وضعیت اقلیمی خاورمیانه و غرب آسیا داشته است.

اقدامات نظامی و اشغالگری اسرائیل، که به تخریب زیرساخت‌های حیاتی، زمین‌های کشاورزی و منابع طبیعی انجامیده، ناقض اصول کلیدی حقوق بین‌الملل زیست‌محیطی از جمله «اصل پیشگیری»، «اصل احتیاط» و «اصل جبران خسارت» است.

ما تاکید می‌کنیم که دستیابی به اهداف عدالت اقلیمی، در گرو رعایت موازین حقوق بشری و عدالت اجتماعی است.

بوی تکرار دیپلماسی التماسی به مشام می‌رسد!

ملاقات پنهان با نماینده ترامپ ساده‌لوحی یا خیانت؟!

سرویس سیاسی ـ

در شرایطی که آمریکا طرف بدهکار برجام است و باید خسارات نقض توافق هسته‌ای را به ایران پرداخت کند، مدعیان اصلاحات و رکن داخلی کارزار غرب علیه ایران می‌کوشند زمینه‌های مذاکره با این رژیم تروریست را فراهم کنند و ضمن آبروبخشی به آن، بار دیگر ایران را از دستیابی به حقوق خود بازدارند.

روزنامه آمریکایی «نیویورک‌تایمز» مدعی شد «ایلان ماسک»، میلیاردر آمریکایی که نقش مؤثری در پیروزی ترامپ داشته است، با امیر سعید ایروانی نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد در مکانی مخفی دیدار کرده تا درباره راه‌های کاهش تنش‌ها بین ایران و ایالات متحده گفت‌وگو کنند.

این روزنامه به نقل از ۲ منبع ناشناس ایرانی گزارش داده که این دیدار میان نماینده ایران و ماسک که مشاور نزدیک «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده است، در روز دوشنبه در نیویورک صورت گرفته است.

به ادعای منابع این روزنامه، دیدار ایلان ماسک و نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد که بیش از یک ساعت به طول انجامید و در مکانی مخفی برگزار شد، «مثبت» بوده است.

به گزارش ایسنا، در همین حال استیون چونگ، مدیر ارتباطات ترامپ، در پاسخ به این سؤال که آیا چنین جلسه‌ای برگزار شده است، گفت: «ما در مورد گزارش‌های ملاقات‌های خصوصی که اتفاق افتاده یا نه، اظهار نظر نمی‌کنیم.»

ایلان ماسک هم به درخواست برای اظهار نظر پاسخ نداد اما نیویورک‌تایمز به نقل یکی از مقامات ایرانی گفت که این ماسک بود که درخواست این ملاقات را داد و سفیر محل دیدار را انتخاب کرد.

به نوشته این روزنامه آمریکایی، نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد گفته که به طور علنی درباره این نشست اظهار نظر نخواهد کرد.

گفتنی است، نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد درباره این دیدار، پاسخی عجیب ارائه داده است زیرا این ملاقات یا انجام شده و یا انجام نشده است و این نحوه پاسخ، نشان می‌دهد که دیدار صورت گرفته است. در همین حال، ما امیدواریم که این اتفاق نیفتاده باشد.

ترامپ به دشمنی و کینه‌توزی علیه ایران مشهور است. نگاهی به کابینه ترامپ نشان می‌دهد که این افراد ۲ ویژگی ضدایرانی و صهیونیست دارند و برخی از آنها خواستار حمله به ایران و تأسیسات هسته‌ای شده‌اند. در این میان، ایلان ماسک همه کاره ترامپ است. ماسک خود را دست راست ترامپ و فراتر از کابینه وی می‌داند. نکته دیگر این است که امور این‌چنین در سیاست خارجی، در حیطه سیاست‌های کلان نظام و شورای عالی امنیت ملی است و نماینده ایران در سازمان ملل حق ندارد با نماینده ترامپ ملاقات کند.

تلاش مدعیان اصلاحات برای منحرف ساختن مسیر دیپلماسی به دوره امید و اعتماد به آمریکا

در همین شرایط، رسانه‌های مدعی اصلاحات از این دیدار به عنوان یک فرصت یاد کردند که نشان می‌دهد اتفاق فاجعه‌باری رخ داده است و نشان می‌دهد در شرایطی که سیاست خارجی در دولت انقلابی شهید رئیسی دچار تحولات اساسی شد، طیف غربگرا تلاش می‌کند، مسیر دیپلماسی را به سمت دوران امید و اعتماد به آمریکا منحرف کند و ایران را از دستیابی به حقوق خود بازدارد.

مدعیان اصلاحات پس از امضای توافقی به غایت نامتوازن، فاقد تضمین و فاقد مکانیسم شکایت و اخذ خسارت با رویکرد ضد منافع ملی «توافق به هر قیمت»، ضعیف‌نمایی و محتاج نشان دادن کشور، همواره به جای اعتراض به نقض پیمان توسط آمریکا و اروپا در برجام، ایران را تخطئه کرد و این در حالی بود که برجام در روز نخست اجرا، توسط آمریکا در دوره اوباما با تحریم‌ها ضدایرانی کاغذ پاره شد. آمریکا همزمان در همان دوره سرمایه‌گذاران را تهدید به تحریم می‌کرد و بر خریداران نفت فشار می‌آورد.

ترامپ چرا از برجام خارج شد؟

جریان غربگرا در دوره ترامپ نیز بدعهدی آمریکا و اروپا در برجام را از توجیه کردند تا جایی که ترامپ از برجام خارج شد و نشریه پولیتیکو یک هفته پس از خروج ترامپ از برجام نوشت: «فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در کنفرانس این اتحادیه تصریح کرد: من از روحانی تضمین گرفتم که حتی در صورت خروج آمریکا از توافق و برگرداندن تحریم‌ها، ایران به برجام پایبند بماند»!

اما مدعیان اصلاحات، ایران را درمانده از تحریم جا زدند و آمریکا را به تحریم بیشتر تشویق کردند و تحریم‌ها دو برابر شد. آنها همچنین با سوءمدیریت عمدی در بخش مسکن، بنزین، حراج کردن ذخایر طلا و ارز، به تعطیلی کشاندن صدها کارخانه، عدم اصلاح ساختار بودجه و دپوی کالاهای اساسی در گمرکات و بنادر، به تحریم ضریب اثربخشی دادند. هم مشوق تحریم خارجی بودند و هم عامل تحریم داخلی و در همین وضعیت، به بهانه تحریم خواهان واگذاری منابع قدرت کشور به دشمن شدند! آنها هشت سال فرصت کارآفرینی و رونق اقتصادی را هدر دادند و هجدهمین اقتصاد بزرگ دنیا شش رتبه تنزل پیدا کرد.

تقلای مذاکره مجدد بدون کوچک‌ترین اشاره به نقض برجام در سه دوره اوباما، بایدن و ترامپ

طیف غربگرا پس از پیروزی ترامپ، مجدداً بر طبل مذاکره می‌کوبد و کوچک‌ترین اشاره‌ای به نقض برجام در سه دوره اوباما، بایدن و ترامپ نمی‌کند. مجدداً می‌خواهند با آسودگی خاطر، جای طلبکار و بدهکار را تعویض و نیاز حریف را تأمین کنند. ترور سردار شهید سلیمانی، شهید ابومهدی المهندس و یارانشان با دستور ترامپ اتفاق افتاد و ترور شهیدان سید حسن نصرالله، زاهدی، هنیه، نیلفروشان، هاشم صفی‌الدین نیز در دوره بایدن رخ داد. امروز در شرایط تداوم کارشکنی آمریکا و بدهکار و مجرم بودن این رژیم، اقتدار و نقش‌آفرینی منطقه‌ای ایران، گسترش شرکای اقتصادی و شکستن و دور زدن برخی تحریم‌ها، مذاکره مجدد با این دولت تروریست، چیزی جز آبرو بخشیدن به آن و نشاندن ایران در جایگاه ضعف و تقلای شوم برای واگذاری توانمندی‌های کشور نیست.

این در شرایطی است که کشور بدون برجام و لغو تحریم‌ها توانست صادرات نفت را احیا کند و رشدهای اقتصادی ۵-۴ درصدی را در دولت شهید رئیسی رقم بزند.

نیوزویک: یک نفر باید خیلی احمق باشد اگر وقت خود را بیش از حد صرف فکر کردن درباره برنامه‌های ترامپ کند!

رویافروشی مدعیان اصلاحات، تاجر خواندن ترامپ و تقلا برای مذاکره با وی در حالی است که نشریه آمریکایی نیوزویک اخیرا نوشت:

ـ میان حرف تا عمل دونالد ترامپ فاصله بسیار است. خودتان را به گمانه‌زنی درباره رویکرد او خسته نکنید.

ـ یک نفر باید خیلی احمق باشد اگر وقت خود را بیش از حد صرف فکر کردن درباره برنامه‌های ترامپ کند!

ـ او دیدگاه ثابتی ندارد. چیزهایی را در جریان مبارزات انتخاباتی می‌گوید، اما زمانی که در مقام است به آنها توجه نمی‌کند یا بسته به اینکه چه کسی با او در اتاق حضور دارد، نظرش را تغییر می‌دهد. او از اینکه برای همه شبیه یک معمای حل نشده باشد استقبال می‌کند.

ـ به دور اول ترامپ نگاه نکنید. ترامپ علاقه‌ای به ناتو نداشت و اروپایی‌ها را برای افزایش بودجه دفاعی تحت فشار قرار داد، اما سیاست‌های او با شعارهای او مطابقت نداشت.

ـ سطح نیروهای ایالات متحده در سراسر اروپا ثابت ماند و زمانی که ترامپ دستور خروج تقریباً ۱۰۰۰۰ سرباز از آلمان را صادر کرد، قرار بود اکثر آنها دوباره در کشورهای دیگر اروپا مستقر شوند.

ـ یا سیاست مورد روسیه را بررسی کنید. شیفتگی شخصی ترامپ به پوتین، به‌خوبی شناخته شده است. اما روابط آمریکا و روسیه در دوران ترامپ چندان عالی نبود.

ـ دولت ترامپ نسبت به دولت اوباما رابطه خصمانه‌تری با مسکو داشت. تحریم‌ها نهادینه شده و گسترش یافت، ده‌ها دیپلمات روسی از آمریکا اخراج شدند، چندین کنسولگری روسیه تعطیل شد و ترامپ، موشک‌های ضدتانک جاولین را به اوکراین فرستاد، در حالی که اوباما این کار را نکرد.

ـ آنچه ترامپ می‌گوید لزوماً با آنچه انجام می‌دهد، برابری نمی‌کند.

مدعیان اصلاحات می‌خواهند ایران در جایگاه متهم به میز محاکمه برود

با این وجود، مدعیان اصلاحات می‌خواهند ایران در جایگاه متهم به میز محاکمه برود و این در حالی است که ایران طرف طلبکار است و آمریکا باید خسارت نقض عهد خود در برجام را به ایران بپردازد. ایران پیام اقتدار برای دنیا می‌فرستد، معادلات منطقه را مقتدرانه رقم می‌زند و محافل خارجی معتقدند خاورمیانه که روزگاری طولانی در دست آمریکا بود، دیگر در دست کاخ‌سفید نیست اما رکن داخلی کارزار غرب علیه ایران در سودای تکرار دیپلماسی التماسی است. بی‌اعتنایی به غیرقابل اعتماد بودن آمریکا، ملاقات پنهان با نماینده ترامپ و تقلای مجدد مذاکره از روی ساده‌لوحی است یا خیانت؟!

گفت و شنود

بَه بَه... چاکرم!

گفت: روزنامه آمریکایی «وال‌استریت ژورنال» در شماره دیروز خود ادعا کرده که «حکومت ایران به آمریکا تضمین داده است که در پی سوءقصد به جان دونالد ترامپ و ترور او نیست»!

گفتم: اولاً؛ از کجا معلوم که خبر این روزنامه آمریکایی صحت داشته باشد! ثانیاً؛ تصمیم درباره ترور ترامپ و انتقام خون شهید سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس و همراهانشان به دولت ربطی ندارد. قرار است که این اقدام خداپسندانه و قانونی توسط نیروهای نظامی و اطلاعاتی کشور صورت بپذیرد. ثالثاً؛ ترور قاتل شهید سلیمانی «سوءقصد» نیست بلکه یک اقدام قانونی و «حُسن قصد» است.

گفت: اگر این خبر صحت داشت باید می‌گفت منبع خبرش چیست و کیست و کجاست؟!

گفتم: حالا اگر صحت داشته باشه چی؟!

گفت: چه عرض کنم؟ اگر صحت داشته باشه، حتماً یکی از این غربگدای بی‌وطن چنین غلطی کرده!

گفتم: ایول! تنها موجود زنده‌ای که فرق دوست و دشمن رو نمی‌دونه، گوسفنده که به هرکس و ناکسی می‌رسه میگه؛ بع بع بع، یعنی بَه بَه!... چاکرم!

تداوم سیاست فشار حداکثری واشنگتن

آمریکا ۲۶ فرد و نهاد را به بهانه ارتباط با ایران و انصارالله یمن تحریم کرد

وزارت خزانه‌داری آمریکا در راستای سیاست‌های فشار حداکثری واشنگتن ادعا کرد که ۲۶ فرد، شرکت و کشتی مرتبط با یک شرکت سوری را تحریم کرده است که برای ایران و انصارالله یمن درآمدزایی کرده‌اند.

وزارت خزانه‌داری آمریکا مدعی شد: اداره کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری (اوفک) ۲۶ فرد، شرکت و کشتی مرتبط با شرکت القطیرجی، یک شرکت سوری که مسئول درآمدزایی به ارزش صدها میلیون دلار برای نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و حوثی‌ها است، تحریم کرد.

خزانه‌داری آمریکا همچنین ادعا کرد: این درآمد از طریق فروش نفت ایران به سوریه و چین به‌دست می‌آید. شرکت القطیرجی که پیش از این به دلیل نقش خود در تسهیل فروش سوخت بین رژیم سوریه و داعش تحریم شده بود، به یکی از کانال‌های اصلی درآمد و بودجه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروهای وابسته به آن تبدیل شده است. این وزارتخانه در ادامه افزود: اداره کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری (اوفک) در حال گسترش هدف قرار دادن شبکه القطیرجی و ناوگان شناورهای آن است تا از بهره‌مندی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از این رابطه جلوگیری کند.

بردلی تی اسمیت، معاون موقت وزارت خزانه‌داری در امور تروریسم و اطلاعات مالی ادعا کرد: «ایران به طور فزاینده‌ای به شرکای تجاری کلیدی، نهادهایی مانند شرکت القطیرجی برای تأمین مالی فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده و شبکه تروریستی نیابتی خود در سراسر منطقه متکی است. وزارت خزانه‌داری به انجام همه اقدامات موجود به منظور محدود کردن توانایی حکومت ایران برای بهره‌گیری از طرح‌های غیرقانونی که برنامه خطرناک منطقه‌ای آن را ممکن می‌سازد، ادامه خواهد داد.»

وزارت خارجه آمریکا نیز با طرح ادعا تصریح داشت: شرکت القطیرجی به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این امکان را داد که تنها در سال جاری به صدها میلیون دلار درآمد دست یابد. شرکت القطیرجی درآمد حاصل از فروش نفت ایران را پولشویی می‌کند و سپس میلیون‌ها دلار در ماه در اختیار حوثی‌ها قرار می‌دهد و آگاهانه حملات انجام شده توسط حوثی‌ها را تامین مالی می‌کند.

خبر ویژه

خسارات FATF را تجربه کردید دوباره برای مردم فاکتور نکنید

وزیر اقتصاد به جای توضیح درباره ابهامات FATF و سابقه سیاه تعامل با این کارگروه تحت تسلط آمریکا گفت: FATF را از یک مسیر دیگر پیش می‌بریم.

عبدالناصر همتی در جمع خبرنگاران درباره آخرین وضعیت FATF گفت: داریم این موضوع را دنبال می‌کنیم. ان‌شاءالله از طریق مجاری قانونی پیگیری می‌کنیم. من فکر می‌کنم به نفع منافع کشور است.

وی درباره ارسال نامه به مجمع تشخیص مصلحت درباره FATF گفت: از یک مسیر دیگر داریم پیش می‌بریم و ان‌شاءالله به مجمع هم می‌بریم.

همتی همچنین در همایش توسعه صادرات غیرنفتی در تبریز گفت: حضور ما در لیست سیاه FATF تحریم‌های آمریکا را مشروعیت می‌دهد. آمریکا برای توجیه و کسب اجماع جهانی برای تحریم ایران تلاش می‌کند تا ایران در لیست سیاه بماند. از سویی اقدام تقابلی FATF علیه ایران، عملاً باعث درز اطلاعاتی ایران می‌شود.

وی افزود: زمانی که ما در حال مبارزه با پولشویی هستیم و مقررات را اجرا می‌کنیم، درست نیست به دلیل ماندن در لیست سیاه FATF با اتهام پولشویی مواجه شویم.

گفتنی است که آقای همتی در دولت روحانی رئیس بانک مرکزی بود؛ دولتی که پنهانی و با دور زدن مجلس، به FATF تعهد داد که برنامه اقدام این کارگروه را به اجرا بگذارد و از ۴۱ بند، ۳۷ بند آن را انجام داد اما FATF پس از آن مطالبه اخذ مصوبات مجلس را پیش کشید که دو مورد دیگر هم عملی شد و فقط دو بند از این برنامه اقدام متوقف ماند؛ آن هم به اعتبار نتیجه کاملاً معکوس FATF در قالب دو برابر شدن شمار تحریم‌ها و درز اطلاعات سرّی اقتصادی ایران و تشدید فشارهای تحریمی و متهم شدن نیروهای نظامی و متحدان ایران به تروریسم و فشار برای محدودیت همکاری بانکی با این نهادها و نیروها!

در چنان وضعیتی سؤال «مجمع تشخیص مصلحت نظام» مانند سایر دیگر نخبگان و صاحب‌نظران این بود که چه تضمینی هست با اجرای دو بند باقی مانده، تحریم‌ها لغو شود و روند منفی گذشته شدت نیابد، که آقای ظریف اعلام کرد هیچ تضمینی وجود ندارد و تضمینی در این‌باره نمی‌توانیم بدهیم(!)

با وجود این واقعیت‌ها، عجیب است که رئیس آن روز بانک مرکزی و وزیر امروز اقتصاد، هفته‌ای یکی دوبار درباره محسنات و فوائد نداشته FATF برای اقتصادی ایران اظهارنظر می‌کند! در حالی که FATF تحت سلطه کامل آمریکاست، آقای همتی چگونه می‌تواند تکرار بازی خسارت‌بار با این کارگروه را موجب لغو تحریم‌ها وانمود کند و حال آن که می‌داند ۷۶ درصد پولشویی‌ها و عمده تأمین مالی تروریسم در همین کشورهای غربی و از سوی دولت‌های آنها انجام می‌شود و مثلاً رژیم نسل‌کش و ذاتاً تروریست اسرائیل، مستثنی از فشارهای FATF و گردانندگان آن است!

اظهارات همتی در عین حال نشان می‌دهد که وی و دیگر مدیران مشابه وی، همانند دولت روحانی، هیچ توضیح قانع‌کننده و مستندی درباره ابهامات «مجمع» نداشته و نتوانسته‌اند اکثریت اعضای مجمع را قانع کنند و گرنه دلیلی نداشت که دنبال «مسیر دیگر» باشند! البته این طیف به جای رفتن دنبال دور زدن مجمع و... باید دنبال جواب برای سؤال‌های بی‌پاسخی که با آنها مواجه هستند بروند و یا اینکه صادقانه به مردم بگویند مسئولیت‌های اقتصادی و فنی‌شان امور دیگری است، اما آنها به خاطر سرگرمی به سیاسی کاری و حواشی و یا دوره شدن از سوی برخی کارشناس نمایان نا اهل، نتوانسته‌اند سراغ آن اولویت‌ها بروند و بنابراین بهانه می‌تراشند.

این نکته هم گفتنی است که برآیند برجام و FATF و قبول توافق آب و هوائی پاریس در دولت هشت ساله روحانی، رقم زدن بدترین شاخص‌های اقتصادی در تاریخ چند دهه گذشته بود و با این وجود عجیب است که متولیان آن، رویکرد خسارت‌بار خود را به عنوان فهم مثبت از مسائل، برای مردم فاکتور می‌کنند!

معاون پنتاگون: پیشرفت‌های موشکی یمن من را حیرت‌زده کرده‌اند

معاون وزیر دفاع آمریکا اعلام کرد پیشرفت‌های موشکی انصارالله یمن در شش ماه اخیر، او را شگفت‌زده کرده است. به گفته بیل لاپلانته، این پیشرفت‌ها با حمایت ایران حاصل شده و قدرت نظامی این گروه را به سطحی بی‌سابقه رسانده است.

به گزارش وبسایت آکسیوس، معاون وزیر دفاع آمریکا در امور تسلیحات گفت: شبه‌نظامیان حوثی یمن با نمایش تسلیحات پیشرفته‌ای که قابلیت‌های حیرت‌انگیزی دارند من را حیرت‌زده کرده‌اند.

بیل لاپلانته در نشستی به نام «آینده دفاع» در واشنگتن گفت: آنچه در شش ماه اخیر از حوثی‌ها دیده‌ام، واقعاً شگفت‌انگیز است.»

او که سابقه‌ای طولانی در زمینه مهندسی و فیزیک موشکی دارد، از تکنولوژی پیشرفته موشک‌های این گروه ابراز نگرانی کرد و افزود: حوثی‌ها اکنون موشک‌هایی در اختیار دارند که قادر به انجام کارهایی هستند که فراتر از تصور است.

دوپچه وله ضمن انتشار اظهارات معاون پنتاگون نوشت: حوثی‌ها که از حمایت جمهوری اسلامی برخوردار هستند و بخش‌های وسیعی از خاک یمن را تحت کنترل خود دارند، از ۷ اکتبر سال ۲۰۲۳ یعنی آغاز حمله حماس به اسرائیل، به طور مداوم کشتی‌های تجاری را در دریای سرخ و خلیج عدن هدف حمله قرار می‌دهند. آنها اعلام کرده‌اند که این حملات «در همبستگی» با مردم غزه انجام می‌شود.

در روزهای گذشته، دو ناوشکن نیروی دریایی آمریکا در تنگه باب‌المندب، که دریای سرخ را به خلیج عدن متصل می‌کند، هدف حملات حوثی‌ها قرار گرفتند. این حملات با هشت پهپاد هجومی، پنج موشک بالستیک ضد کشتی و چهار موشک کروز ضد کشتی انجام شده‌اند. با این حال، هیچ آسیبی به ناوشکن‌ها وارد نشده است.

بهنام بن طالب‌لو، تحلیلگر ارشد بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، معتقد است که این پیشرفت‌ها به دلیل حمایت‌های مستقیم ایران از حوثی‌ها صورت گرفته است و آنها را به تنها گروه شبه‌نظامی با قابلیت استفاده از موشک‌های بالستیک ضد کشتی تبدیل کرده است.

دوپچه وله افزود: چرا این موضوع اهمیت دارد؟ ماه‌هاست که حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری و بازرگانی در آبراه‌های استراتژیک خاورمیانه، امنیت کشتیرانی را برای بیش از ۶۵ کشور و ۲۹ شرکت بزرگ انرژی و کشتیرانی به خطر انداخته است. قدرت فزاینده حوثی‌ها به یک چالش جدی برای آمریکا و متحدانش در این منطقه تبدیل شده و نیازمند اقدامات فوری و راهبردی است.

در همین رابطه بهنام بن طالب‌لو، تحلیلگر ارشد بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، به آکسیوس گفت: «حوثی‌ها تنها گروه نیابتی ایران هستند که به موشک‌های بالستیک ضدکشتی مجهز شده‌اند و این موضوع تصادفی نیست. شور و تعهد حوثی‌ها، همراه با حمایت‌های ایران، به ترکیبی مرگبار تبدیل شده است.»

فارن‌افرز: اسرائیل، ناتوان از فهم قدرت محور مقاومت است

آنچه گروه‌های نظامی متحد ایران را تحت عنوان مقاومت، در منطقه حفظ کرده، پایگاه‌های اجتماعی آنهاست. در این میان ایران توانست تحریم‌های شدید دولت ترامپ را دور بزند و با کمک متحدان خود در محور مقاومت، از بازارهای این کشورها برای تجارت منابع انرژی و دسترسی به ارز استفاده کند.

این تحلیل را نشریه آمریکایی فارن‌افرز منتشر کرده و می‌نویسد: اسرائیل در جنگ اخیر به طور مشخص محور مقاومت را هدف قرار داد؛ یعنی شبکه‌ای از گروه‌های متحد ایران. اسرائیل با کار روی مقیاسی که تلاش‌های قبلی علیه این محور را نادیده می‌گیرد، یک سال گذشته را صرف از بین بردن زیرساخت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، لجستیکی و ارتباطی شبکه کرده است. همچنین تل‌آویو دست به کارزار بی‌سابقه‌ای علیه رهبری این محور زده و رهبران حماس و حزب‌الله و چند فرمانده ارشد سپاه را ترور کرد.

اما بعید است که اسرائیل بتواند سازمان‌هایی را که به این محور تعلق دارند، آن‌طور که امیدوار است، ریشه‌کن کند. این محور، بارها سازگاری و انعطاف‌پذیری خود را نشان داده که بیانگر ارتباطات عمیقی است که گروه‌های عضو آن در داخل کشورها و جوامع خود دارند. علاوه‌بر این، روابط فراملیتی که این محور را تشکیل می‌دهند، به این معناست که نه‌تنها به‌عنوان بازیگران غیردولتی مجزا یا گروه‌های مسلح، بلکه به‌عنوان گره‌های به هم پیوسته شبکه‌های سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک بادوام شناخته می‌شوند.

این شبکه‌ها که منطقه‌ای و گاه حتی جهانی هستند، به اعضای محور اجازه داده تا شوک‌های مختلفی را تحمل کنند. همچنین فروپاشی‌های اقتصادی، مانند تحریم‌های دونالد ترامپ، در قالب کمپین «فشار حداکثری» و افول بانکداری لبنان در سال ۲۰۱۹، که حساب‌های مالی بسیاری از گروه‌های عضو را منحل کرد، از جمله چالش‌هایی است که این محور به خود دیده است. اما به‌رغم این چالش‌ها، اعضای محور از جوامع محلی خود و از یکدیگر استفاده کرده‌اند. مقاومت تاریخی محور مقاومت حاکی از آن است که اسرائیل برای از بین بردن گروه‌هایی مانند حماس و حزب‌الله با مشکل مواجه خواهد شد.

این محور به شکلی که امروزه وجود دارد با شبکه‌ای که در ابتدا در دهه ۱۹۸۰ تاسیس شد، تفاوت چشمگیری دارد. در آن زمان، ایران، حزب‌الله لبنان را به عنوان بازیگری مؤثر برای نمایش قدرت، تاسیس کرد و آن را پرورش داد. هدف آن «صدور انقلاب» و به‌کارگیری «دفاع پیشرو» از طریق بازدارندگی نامتقارن در برابر تهدیدات محسوس، یعنی اسرائیل بود. ایران به طور استراتژیک این مدل را در کشورهای مختلف تکرار کرد. آنچه این گروه‌ها را حفظ کرد، اتکای عمیق به پایگاه‌های اجتماعی بود. آنها به حدی خود را در بافت کشورهای متبوع خود جای دادند که رؤسای رسمی دولت در لبنان، سوریه، عراق، ایران، یمن و غزه همه یا اعضای گروه‌هایی هستند که به این محور تعلق دارند یا توسط آن گروه‌ها انتخاب شده‌اند.

این شبکه حمایتی قوی، حزب‌الله را قادر ساخت که نه‌تنها بهبود یابد، بلکه نفوذ خود را نیز گسترش دهد. در نهایت به اندازه‌ای قوی شد که توانست اسرائیل را در سال ۲۰۰۰ از خاک لبنان مجبور به خروج کند. این پیروزی، همراه با جنگ سال ۲۰۰۶ که در آن حزب‌الله به پیروزی رسید- شاهکاری بی‌سابقه برای شبه‌نظامیان عرب- به شدت شهرت این جریان را افزایش داد. همچنین تجسم جدیدی از محور مقاومت ارائه داد. چالش دیگر این محور در سال ۲۰۱۱ بود، زمانی که دولت اسد در سوریه با یک تهدید وجودی در قالب یک جنگ داخلی مواجه شد.

با این حال، یک‌بار دیگر، محور توانست خود را به گونه‌ای تطبیق دهد که بتواند بر این بحران غلبه کند. در حالی که دولت اسد در آستانه فروپاشی قرار داشت، حزب‌الله قاطعانه وارد عمل شد تا از آن محافظت کند. همچنین قیام‌های ۲۰۱۱ منجر به ادغام رسمی حوثی‌ها در محور مقاومت شد. تحریم‌ها در سال ۲۰۱۸، زمانی که ترامپ از توافق برجام خارج شد و کمپین فشار حداکثری خود را آغاز کرد، به شدت افزایش یافت. هدف به صفر رساندن صادرات نفت و در نتیجه سلب منبع درآمدی حیاتی ایران بود. تحریم‌ها به اقتصاد ایران آسیب رساند، اما تجارت نفت این کشور را متوقف نکرد. در عوض، تهران راه‌هایی برای فروش نفت خود